

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی، تاریخ و مدرسی معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# ارتباط علم حصولی با علم حضوری

استاد راهنما:

دکتر علیرضا قائمی نیا

استاد مشاور:

دکتر حسن معلمی

نگارش:

فاطمه حسناتی

۱۳۹۰

### تقدیم به آنکه:

علم را به زیور عمل آراست و قرآن و عرفان و برهان را تنها خاستگاه فرد و جامعه سعادت‌مند دانست. او که در راه رشد و معرفت انسان با هجرت و جهاد مداوم، با بنان و بیان سراز پا نشناخت. آنکه با اخلاص و تواضع، فقه و فلسفه و عرفان را به تفسیر نشست.

تقدیم به استاد علم و عمل، الگوی امید و اخلاص، زیور روحانیت، زنده یاد حجة الاسلام والمسلمین محمد مهدی مهندسی (رحمة الله علیه)

## تقدیر و تشکر

خداوند منان را شاکرم که با الطاف خاصه اش مرا در به سرانجام رساندن این پژوهش یاری نمود. بر خود لازم می دانم از اساتید بزرگوارم حجة الاسلام دکتر قائمی نیا و حجة الاسلام دکتر معلمی که راهنمایی های مفیدشان روشنگر راه من بود و همچنین از خانواده مهربانم بویژه همسر صبورم که همواره پشتیبان و یاور من بودند، نهایت قدردانی و تشکر را به عمل آورم.

## چکیده

تقسیم علم به حضوری و حصولی از ابتکارات فلاسفه اسلامی است. اولین بار ابن سینا به این تقسیم اشاره کرد و پس از او شیخ اشراق به گونه‌ای شفاف بر این تفکیک تصریح کرد و از آن بهره برد. و واژه « حضوری» را برای قسیم علم حصولی وضع نمود.

طبق تعریف معروفی که از این دو علم ارائه می‌شود، علم حضوری علمی است بدون واسطه صورت حاکی و شناختی است که در آن واقعیت معلوم نزد عالم حاضر می‌شود اما علم حصولی معرفتی است با واسطه صورت حاکی. از همین جاست که مهمترین تفاوت این دو علم، رخ می‌نماید:

خطاناپذیری علوم حضوری و خطاپذیری علوم حصولی که ناشی از وجود واسطه در این قسم از علوم است.

بدین سان معرفت حضوری، معرفتی یقینی و صادق خواهد بود اما شناخت حصولی نیازمند احراز صدق و اثبات مطابقت با واقع است.

به دنبال این مباحث، این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که آیا رابطه‌ای میان علوم حصولی و حضوری وجود دارد؟ و آیا می‌توان شناخت‌های حصولی و خطاپذیر و غیر یقینی را بر معارف حضوری خطاناپذیر و یقینی مبتنی کرد و از این رهگذر، صدق و اعتبار علوم حصولی را تضمین نمود؟

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، اولین کسی بود که به این رابطه تصریح نمود و بحث «ارجاع علوم حصولی بر حضوری» را مطرح ساخت. در این پژوهش پس از ذکر مقدماتی برآیند تا معانی و تفاسیر مختلفی که از «ارجاع علوم حصولی به حضوری» ارائه شده را بیان کنیم و همه روابط ممکن میان علوم حصولی و حضوری را به تصویر بکشیم تا ابتدای علوم حصولی بر حضوری را فی‌الجمله اثبات نموده و گامی در مسیر حل مسئله «مطابقت» در علوم حصولی برداریم.

واژگان کلیدی: علم، معرفت، علم حضوری، علم حصولی، معرفت‌شناسی.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تفصیلی پژوهش
۲	بیان مسئله:
۲	اهمیت و ضرورت پژوهش:
۳	سابقه پژوهش:
۴	سؤال اصلی پژوهش:
۴	فرضیه‌های پژوهش:
۴	سوالات فرعی پژوهش:
۵	اهداف پژوهش:
۵	روش پژوهش:
۵	روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:
۵	سازمان‌دهی پژوهش:
۶	<b>فصل اول: کلیات</b>
۷	۱-۱. مفهوم‌شناسی
۷	۱-۱-۱. علم:
۸	۱-۱-۲. معرفت (شناخت)
۹	۱-۱-۳. علم حضوری
۱۱	۱-۱-۴. علم حصولی:
۱۲	۱-۱-۵. معرفت‌شناسی:
۱۴	۱-۲. پیشینه علم حضوری:
۱۹	<b>فصل دوم: علم حضوری</b>
۲۰	مقدمه

- ۲-۱. تعریف علم حضوری..... ۲۰
- تعریف ابن سینا: ..... ۲۰
- تعریف شیخ اشراق: ..... ۲۱
- تعریف ملاصدرا:..... ۲۲
- تعریف «ملاهادی سبزواری»: ..... ۲۲
- تعریف «علامه طباطبایی»:..... ۲۲
- ۲-۱-۲. جمع‌بندی و نقد تعاریف..... ۲۳
- گویاترین تعریف:..... ۲۵
- ۲-۲. حصر علم در حصولی و حضوری:..... ۲۶
- ۲-۳. ملاک علم حضوری..... ۲۶
- ملاک علم حضوری از منظر ابن سینا:..... ۲۶
- ملاک علم حضوری از منظر شیخ اشراق:..... ۲۷
- دیدگاه ملاصدرا درباره ملاک علم حضوری:..... ۲۷
- دیدگاه علامه طباطبایی ; در باب ملاک علم حضوری..... ۲۸
- ملاک علم حضوری از منظر شهید مطهری ; ..... ۲۸
- ۲-۴. مصادیق علم حضوری..... ۲۹
- ۲-۴-۱. علم ذات به خود (خودآگاهی):..... ۳۰
- ۱- علم نفس به ذات خود:..... ۳۰
- ۲- علم واجب تعالی به ذات خود:..... ۳۱
- ۳- علم سایر مجردات تام به ذوات خود:..... ۳۲
- ۲-۴-۲. علم ذات به غیر:..... ۳۲
- ۴- علم حضوری نفس به صورت ذهنی..... ۳۲
- ۵- علم حضوری نفس به افعال خود:..... ۳۳
- ۶- علم نفس به حالات و انفعالات خویش:..... ۳۴
- ۷- علم نفس به قوای ادراکی و تحریکی خود:..... ۳۵

- ۸- علم علت به معلول: ..... ۳۶
- ۹- علم معلول به علت: ..... ۳۸
- ۱۰- علم حضوری دو معلول هم مرتبه نسبت به یکدیگر: ..... ۳۹
- ۱۱- علم نفس به آثار مادی عارض بر اعصاب و مغز: ..... ۳۹
- ۲-۵. شبهات ناظر به علم حضوری ..... ۴۰
- ۱- احساس گرسنگی و تشنگی کاذب: ..... ۴۱
- ۲- احساس درد در اعضای قطع شده: ..... ۴۲
- ۳- توهمات ادراکی ..... ۴۳
- ۴- اختلاف نظر درباره حقیقت نفس: ..... ۴۵
- ۵- علم حضوری و غفلت: ..... ۴۶
- فصل سوم: علم حصولی** ..... ۴۹
- مقدمه ..... ۵۰
- ۳-۱. تقسیم علم حصولی به تصور و تصدیق: ..... ۵۰
- پیشینه تقسیم علم به تصور و تصدیق: ..... ۵۱
- تعریف تصور و تصدیق: ..... ۵۲
- نقد و بررسی تعاریف «تصور» ..... ۵۳
- تعریف تصدیق: ..... ۵۴
- نقد و بررسی تعاریف: ..... ۵۵
- اقسام تصورات: ..... ۵۶
- تصورات جزئی: ..... ۵۶
- تصورات کلی (مفاهیم کلی): ..... ۵۹
- اقسام تصورات کلی: ..... ۶۰
- نقد و بررسی تعاریف: ..... ۶۲
- ۳-۲. تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری ..... ۶۳
- انواع تصورات بدیهی: ..... ۶۴



- ۶۵..... - تصدیقات بدیهی:.....
- ۷۰..... ۳-۳. تقسیم قضایا به تحلیلی و ترکیبی:.....
- ۷۲..... - پیشین و پسین:.....
- ۷۴..... **فصل چهارم: علم حضوری و علم حصولی (تفاوت‌ها و اشتراکات)**
- ۷۵..... مقدمه.....
- ۷۵..... تفاوت‌های علم حصولی و حضوری.....
- ۷۵..... ۱- وساطت و عدم وساطت صورت ذهنی:.....
- ۷۶..... ۲- وحدت علم و معلوم (یگانگی وجود علمی و وجود عینی):.....
- ۷۷..... ۳- تفاوت در صدق و کذب‌پذیری:.....
- ۷۷..... ۴- تفاوت در خطا‌پذیری:.....
- ۷۸..... ۵- تفاوت در کلیت و جزئیت:.....
- ۸۰..... ۶- تفاوت در شک‌پذیری:.....
- ۸۰..... ۷- تفاوت در تعلق به معدومات و ممتنعات:.....
- ۸۱..... ۸- تفاوت در امکان حفظ معلوم:.....
- ۸۱..... ۹- تفاوت در تقسیم به تصور و تصدیق:.....
- ۸۲..... ۱۰- تفاوت در نیاز به تفکر و استدلال:.....
- ۸۳..... ۱۱- تفاوت در تقسیم به بدیهی و نظری:.....
- ۸۴..... ۱۲- همراهی علم حصولی با علم حضوری:.....
- ۸۴..... ۱۳- تفاوت در قابلیت انتقال به غیر:.....
- ۸۵..... ۱۴- تفاوت در تشکیک‌پذیری:.....
- ۸۶..... **اشتراکات علم حصولی و علم حضوری:**.....
- ۸۶..... ۱- اشتراک در درجات و مراتب.....
- ۸۷..... ۲- اشتراک در مراتب آگاهی.....
- ۸۸..... ۳- اشتراک در امکان زوال:.....
- ۸۹..... ۴- اشتراک در ثبات ارزش معرفتی:.....

۹۰	۵- اشتراک در ناممکن بودن تکثرگرایی معرفتی: .....
۹۱	<b>فصل پنجم: ارتباط علم حصولی با علم حضوری</b> .....
۹۳	۱-۵. علم نحوه وجود است.....
۹۵	۲-۵. تفاسیر ارجاع علوم حصولی به حضوری:.....
۹۵	۱-۲-۵. علم حضوری نفس به خود، مقوم همه علوم حصولی و حضوری و مقدم بر همه آنهاست.....
۹۶	۲-۲-۵. در هر علم حصولی، علمی حضوری نهفته است:.....
۹۶	۳-۲-۵. بازگشت همه ادراکات و علوم به مدرکات حسی و بازگشت ادراکات حسی به علوم حضوری: .....
۹۸	۴-۲-۵. بازگشت همه اقسام علم حصولی (تصورات و تصدیقات) به علوم حضوری.....
۹۸	۱-۴-۲-۵. بازگشت علوم حصولی (بخش تصورات) به علوم حضوری:.....
۹۹	الف: تصورات جزئی:.....
۹۹	ب: تصورات کلی:.....
۹۹	ب-۱: بازگشت مفاهیم ماهوی به علوم حضوری:.....
۱۰۰	ب-۲: بازگشت مفاهیم (و قضایای) منطقی به علوم حضوری:.....
۱۰۲	ب-۳: بازگشت مفاهیم فلسفی به علوم حضوری:.....
۱۰۳	۲-۴-۲-۵. بازگشت علوم حصولی (تصدیقات) به علوم حضوری:.....
۱۰۵	ارجاع وجدانیات به علوم حضوری:.....
۱۰۶	ارجاع بدیهیات اولیه به علوم حضوری:.....
۱۰۹	۵-۲-۵. علوم حصولی برگرفته از علم حضوری (به مجردات عقلی یا مثالی) هستند.....
۱۱۳	<b>خاتمه</b> .....
۱۱۸	<b>فهرست منابع</b> .....
۱۱۹	الف: کتب .....

۱- کتب فارسی ..... ۱۱۹

۲- کتب عربی ..... ۱۲۲

ب: مقالات ..... ۱۲۴

مقدمه:

# طرح تفصیلی پژوهش

## بیان مسئله:

بحث از حقیقت علم و اقسام آن، اساس معرفت‌شناسی را تشکیل می‌دهد. دانشمندان و فلاسفه تقسیمات متعددی برای علم ارائه نموده‌اند و از کارآمدترین آنها، تقسیم علم به حضوری و حصولی است که از دستاوردهای فلسفه اسلامی است.

معرفت حضوری معرفتی است بی‌واسطه که به واقعیت شیء پیدا می‌شود در نتیجه حتی تصور خطا در مورد این قسم نادرست است و معرفت حصولی، معرفتی است که با واسطه صورت و مفهوم شیء حاصل می‌گردد و بنابراین راهیابی خطا در آن ممکن خواهد بود.

برخی فلاسفه این دو قسم را مستقل از هم و هر دو را حقیقی دانسته‌اند و برخی دیگر علوم حصولی را وهمی انگاشته‌اند و آن را اعتبار ذهن می‌پندارند و همه علوم حصولی را به حضوری بازگشت داده‌اند. بعضی نیز ضمن پذیرش علوم حصولی به عنوان قسمی مستقل و حقیقی، احراز صدق در این علوم را به نوعی بر پایه علم حضوری مبتنی کرده و علوم حضوری را سنگ بنای معرفت بشری معرفی نموده‌اند.

توجه به موضوعات فوق، این مسئله را در پی خواهد داشت که: «در ابعاد مختلف وجودی و معرفتی، چه ارتباطی بین علوم حضوری و حصولی وجود دارد؟»

## اهمیت و ضرورت پژوهش:

مسئله توانایی انسان در دستیابی به معرفت یقینی، از دیرباز تاکنون، همواره یکی از مهمترین دغدغه‌ها و تردیدهای ذهن بشر بوده است. این تردیدها در نهایت به دیدگاههای شک‌گرایانه و سوفسطایی منجر شده است به نحوی که این دیدگاهها بسیاری از ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد بویژه در حوزه الهیات و معارف دینی و تعالیم و حیانی رخنه کرده و اساسی‌ترین واقعیات حیات بشر را به چالش می‌کشد و راهیابی خطا در عالیترین

حقایق هستی را قطعی و حصول یقین در مورد آنها را منتفی می‌داند و بدین‌سان شکاکیتی فراگیر را در سراسر هستی به تصویر می‌کشد.

در چنین شرایطی اهمیت معرفت‌شناسی به عنوان محکمه‌ای که ارزیابی سایر حوزه‌های معرفتی انسان و قضاوت در مورد یافته‌ها و نظریات آنها را به عهده دارد، بر همگان پوشیده نیست. اساس معرفت‌شناسی شناخت حقیقت علم و معرفت است که این شناخت از طریق بررسی تقسیمات معرفت سهل‌تر خواهد شد، بنابراین تدقیق و تحقیق در حقیقت علم حضوری و نیز علم حصولی و بررسی ویژگیهای آن دو ضروری خواهد بود. به علاوه به نظر می‌رسد در باب معرفت تفکیک حوزه‌های خطاپذیر (حصولی) از حوزه‌های خطاناپذیر و یقینی (حضوری) و بیان ارتباط این دو قسم و نیز اثبات امکان دستیابی به یقین در علم حصولی از مباحث مهمی است که حل بسیاری از مسائل اساسی و شبهات موجود در حوزه معرفت انسانی را ممکن می‌سازد.

### **سابقه پژوهش:**

در میان پژوهش‌هایی که در مسائل مختلف فلسفی و معرفت‌شناسی موجود است، بسیاری از آنها به دلیل اهمیت علم، بحث از تقسیم ابتدایی علم به حضوری و حصولی را مطرح کرده‌اند. همچنین آثاری از اندیشمندان این عرصه در دست است که به بررسی علم حضوری و اقسام آن و علم حصولی و تقسیمات آن پرداخته شده است از جمله علامه طباطبایی (ره) در برخی آثارش از جمله «اصول فلسفه و روش رئالیسم» و «نهایة الحکمة»، استاد مصباح یزدی در «آموزش فلسفه»، محمد فنائی اشکوری در کتابی تحت عنوان «علم حضوری» و برخی از پژوهشگران حوزه معرفت‌شناسی نظیر محمدحسین زاده در «مبانی معرفت دینی»، «منابع معرفت» و... متعرض این موضوع شده‌اند. لکن به نظر می‌رسد تا کنون رابطه علم حضوری با حصولی به عنوان مسئله‌ای مستقل مورد بررسی قرار نگرفته و هیچ پژوهشی، تحلیل و تبیین این دو قسم علم را از این زوایه (ارتباط این دو علم) مورد توجه قرار نداده است.

### سؤال اصلی پژوهش:

از حیث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی چه روابطی میان علوم حضوری و حصولی وجود دارد؟

### فرضیه‌های پژوهش:

- (۱) تقسیم علم به حضوری و حصولی از دستاوردهای فلسفه اسلامی است که تأثیر زیادی در مباحث معرفت‌شناسی دارد.
- (۲) حقیقت علم حضوری، وجود است.
- (۳) در وجود ارتباط بین دو قسم حضوری و حصولی تردیدی نیست و ارجاع علوم حصولی به حضوری که به عنوان یکی از روابط این دو علم مطرح می‌شود، معانی مختلفی دارد که برخی از معانی آن، صحیح و برخی نادرست است.

### سؤالات فرعی پژوهش:

- (۱) حقیقت علم حضوری چیست و چه اقسامی دارد؟
- (۲) ماهیت علم حصولی چیست و چه اقسامی دارد؟
- (۳) چه تفاوت‌هایی میان علم حضوری و علم حصولی وجود دارد؟
- (۴) چه شباهت‌هایی میان این دو سنخ از علم وجود دارد؟
- (۵) آیا علم حضوری ارزش معرفتی دارد؟
- (۶) نظریه علامه طباطبایی (ره) مبنی بر «بازگشت علوم حصولی به علم حضوری» به چه معناست؟
- (۷) آیا هر علم حصولی در وجودش و امدار علمی حضوری است؟
- (۸) آیا علم حضوری به نفس مقدم بر همه علوم و معارف بشری است؟
- (۹) آیا دستیابی به یقین در حوزه علوم حصولی ممکن است؟
- (۱۰) آیا می‌توان به نحوی معقول و صحیح همه علوم حصولی پایه (بدیهیات اولیه، وجدانیات) را بر علوم حضوری مبتنی کرد و بدین طریق صدق علوم حصولی را احراز نمود؟

## اهداف پژوهش:

تبیین ارتباط علم حصولی با حضوری.

## روش پژوهش:

تحلیلی - تبیینی

## روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

روش کتابخانه‌ای

## سازمان دهی پژوهش:

این پژوهش در پنج فصل و یک خاتمه تنظیم گردیده است. فصل نخست به مفهوم‌شناسی موضوع و نیز پیشینه آن پرداخته است. در فصل دوم آموزه علم حضوری مورد بررسی قرار گرفته و برخی تعاریف آن و نیز ملاک تحقق علم حضوری، همچنین مصادیق این قسم از علوم ذکر شده است و در پایان این فصل برخی شبهات ناظر به علوم حضوری پاسخ داده می‌شود. در فصل سوم، علم حصولی و برخی تقسیمات آن مطرح گشته است. در فصل چهارم، تفاوت‌های علم حضوری و حصولی و نیز برخی از اشتراکات این دو علم، ترسیم می‌شود. و در نهایت در فصل آخر، به بیان ارتباط علوم حصولی با حضوری در قالب نظریه «ارجاع علوم حصولی به حضوری» پرداخته شده و تفاسیر مختلفی از ارجاع بیان گردیده است.



فصل اول:

# کلیات

## ۱-۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱-۱. علم<sup>۱</sup>:

در فلسفه اسلامی، علم و ادراک مترادف یکدیگر بوده و بر صورت حاصل از شیء مدرک که در نزد مدرک حضور دارد، اطلاق می‌گردند:

ابن سینا ادراک را حصول صورت معلوم در ذات عالم می‌داند:

«الادراک هو حصول صورة المدرک فی ذات المدرک»<sup>۲</sup>.

وی در جای دیگر، علم را همان صورت معلوم تلقی می‌کند:

«العلم هو صور المعلومات»<sup>۳</sup>.

ملاصدرا تعریف حقیقی علم را غیر ممکن می‌داند لکن در تعریف لفظی و شرح الاسمی «علم» عبارات گوناگونی آورده که هر کدام ناظر به نوعی از انواع علم است. وی در برخی موارد، علم را صورت حاصل نزد مدرک می‌داند و یا علم را حضور صورت شیء نزد عالم می‌داند و گاهی نیز علم را نحوه وجود معرفی می‌کند:

«العلم عبارة عن الصورة الحاصلة من الشيء عند المدرک»<sup>۴</sup>.

«العلم عبارة عن حضور صورة شیء للمدرک»<sup>۵</sup>.

---

۱ - وجود علم و نیز مفهوم آن بدیهی است و هیچ گونه ابهامی در مفهوم آن وجود ندارد؛ بنابراین تعریف منطقی علم ممتنع است و آنچه تحت عنوان تعریف علم بیان می‌شود صرفاً تفاسیری فلسفی از این یافت وجدانی است.

۲ - ابن سینا، *تعلیقات*، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق، ص ۶۹؛ ر.ک: ابن سینا، *الاشارات و التنبيهات*، با شرح شیخ طوسی و شرح شرح قطب الدین رازی، البلاغه، قم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳ - ابن سینا، *تعلیقات*، پیشین، ص ۱۶۶.

۴ - ملاصدرا، *الاسفار الاربعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۳ق، ج ۸، ص ۱۵۱.

۵ - همان.

جناب علامه طباطبایی، تعریف عامی از علم ارائه می‌دهد که انواع علوم حصولی و حضوری را در بر می‌گیرد:

«علم عبارت از حصول امری مجرد از ماده برای امر مجرد دیگر و یا حضور

شیئی برای شیئی است.»<sup>۱</sup>

شهید مطهری در عبارات خود مفهوم علم و ادراک را به گونه‌ای ملموس بیان می‌نماید. بدین ترتیب که ما وقتی شخصی را برای اولین بار می‌بینیم یا چیزی که تا به حال ندیده بودیم، مشاهده می‌کنیم در خود پدیده‌ای احساس می‌کنیم که قبلاً در ما وجود نداشت و این پدیده جدید، تصویر آن شخص یا شیء است که در ما به وجود آمده است. حالت اول یعنی فقدان این تصاویر در ذهن، جهل نام دارد و حالت دوم که تصاویری مربوط به اشیای خارجی در ما بوجود می‌آید و ما را با واقعیات خارجی مرتبط می‌کند، «علم» یا «ادراک» نامیده می‌شود. بنابراین همانگونه که در تعریف علم گفته شده: « العلم هو الصورة الحاصلة من الشیء عند العقل»، علم و ادراک عبارتست از صورتی که از یک شیء در ذهن پدید می‌آید.<sup>۲</sup>

بنابر آنچه در تعریف «علم» ارائه شد، می‌توان گفت علم، عبارتست از «صورت حاصل از شیء مدرک نزد ذهن»، لکن نکته مهم در باب این تعریف، اختصاص آن به علوم و ادراکات حصولی است زیرا چنانکه در آینده توضیح داده خواهد شد، در علوم حضوری، خود شیء معلوم، نزد عالم حاضر می‌شود نه صورت شیء. بر این اساس تعریف علامه طباطبایی از «علم» نسبت به سایر تعاریف مذکور جامع می‌باشد زیرا علاوه بر علوم حصولی، ادراکات حضوری را شامل می‌گردد.

### ۱-۱-۲. معرفت (شناخت)

واژه معرفت معادل عربی واژه شناخت است و کاربردهای مختلفی دارد. عام‌ترین مفهوم آن مساوی با مطلق علم و آگاهی و اطلاع است. این کلمه گاهی به «ادراکات جزئی» اختصاص

---

۱ - محمدحسین طباطبایی، *نهایة الحکمه*، تصحیح و تعلیق: عباس علی زارعی سبزواری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹۷.

۲ - مرتضی مطهری، *کلیات علوم اسلامی*، چاپ ۳۲، صدرا، تهران، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۳۲-۳۳.

داده شده و زمانی نیز به معنای «بازشناسی» به کار می‌رود چنان که گاهی هم به معنای «علم مطابق با واقع و دانش یقینی»، استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

ابن سینا از جمله کسانی است که بین علم و معرفت فرق قائل است و «معرفت» نزد وی عبارت است از درک جزئیات و علوم حسی.

«الحس طریق الی معرفة الشیء لا علمه...»<sup>۲</sup>

تعریف معرفت به «باور صادق موجه» نیز از مشهورترین تعاریفی است که در معرفت‌شناسی جدید ارائه شده است.<sup>۳</sup>

در کلام بسیاری از محققین نیز آمده است که در حوزه معرفت‌شناسی واژگان «معرفت»، «علم»، «فهم»، «دانش»، «ادراک» و «شناخت» مترادفند و به یک معنا به کار می‌روند اگرچه ممکن است در حوزه‌های دیگر معانی دیگر و غیر مترادفی داشته باشند.<sup>۴</sup>

در نهایت می‌توان گفت: از آنجا که معرفت‌شناسی و بررسی مسائل معرفت، اختصاص به نوع خاصی از شناخت و معرفت ندارد. همان معنای اعم «معرفت» که مساوی با مطلق علم و آگاهی و مرادف با علم و ادراک است اراده می‌شود.

### ۱-۱-۳. علم حضوری

علم حضوری معرفتی است بدون واسطه صورت و مفهوم ذهنی. در علم حضوری واقعیت معلوم و وجود خارجی آن بدون وساطت صورت حکایت‌گر نزد عالم حاضر می‌شود و مدرک بدون هیچ گونه حجابی خود مدرک را می‌یابد. تعاریف مختلفی از علم حضوری ارائه شده که اکثر آنها متضمن معنای فوق می‌باشند.

ملاصدرا علم حضوری را علمی می‌داند که در آن وجود علمی عین وجود عینی است و

۱ - محمدتقی مصباح، آموزش فلسفه، چاپ سوم، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲ - ابن سینا، تعلیقات، پیشین، ص ۱۴۸.

۳ - محمدتقی فعالی، درآمدی بر معرفت‌شناسی معاصر و دینی، معارف، قم، ۱۳۷۹، ص ۸۳.

۴ - غلامرضا فیاضی، درآمدی بر معرفت‌شناسی، تدوین و نگارش: مرتضی رضایی و احمدحسین شریفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۶، صص ۵۳-۵۴.